

بررسی تحلیلی سیره نبوی و علوی در مواجهه نظامی با اهل کتاب

reza.shaaer@gmail.com

Taheri-akerdi@iki.ac.ir

محمد رضا اسدی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمد حسین طاهری آکردی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵

چکیده

چگونگی برخورد با اهل کتاب، به عنوان کسانی که دین‌شان به اذعان خود اسلام، دست‌کم، اصل و ریشه‌ای راستین دارد، مستلزم توجه به ظرایفی است که می‌باید با در نظر گرفتن آنها در مواجهات، هم‌جهت دین اهل کتاب حفظ شود و هم در صورت وجود توطئه، با هجمه‌های آنان مقابله‌ای مناسب صورت گیرد. مقاله، با شیوه‌توصیفی تحلیلی، به بررسی سیره نبوی و علوی در مواجهه با اهل کتاب پرداخته و با بررسی جنبه نظامی مواجهه، به این نتیجه رسیده است که واکنش‌های پیامبر اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام در برابر این گروه، همواره با هدف حفظ اسلام و نه به قصد از بین بردن آنان صورت می‌گرفت. از این رو، محور برنامه ایشان، توجه به اخلاق، خرد و شرع در همه رویکردها، روش‌ها و ابزارها بوده و در ضمن صلح‌طلبی، ویژگی‌هایی چون دوراندیشی، هوشیاری، آمادگی همیشگی، اقتدار و واکنش متناسب با تهاجم‌ها نیز از مهم‌ترین شاخصه‌های قابل مشاهده در سیره ایشان است.

کلیدواژه‌ها: تهاجم دینی، دفاع دینی، اهل کتاب، سیره نبوی، سیره علوی، مواجهه نظامی، رویکرد نظامی، روش نظامی، ابزار نظامی.

با توجه به اینکه در زمان ظهور هر پیامبر جدید، گروهی از متدینان به دین پیشین، بعثت پیامبر جدید را نمی‌پذیرفتند، تنشی میان پیروان ادیان به وجود می‌آمد. از این رو، همواره در یک زمان، ادیان مختلفی در جامعه طرفدارانی داشت و گروه‌های ایمانی مختلف، با وارد کردن هجمه‌های کوچک و بزرگ بر یکدیگر، به نزاع مشغول می‌شدند. هجمه‌های متدین به ادیان پیش از اسلام بر مسلمانان نیز یکی از این نمونه‌ها است که گاه، کار را به جایی می‌رساند که لازم بود اقدام‌های نظامی نیز مورد توجه رهبران اسلامی قرار گیرد. به عنوان نمونه، اهل کتاب عصر پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در هجمه‌های نظامی خود، از هر شیوه‌ای حتی رفتارهای ضداخلاقی چون فتنه‌انگیزی، ایجاد ناامنی، ترور و جنگ‌افروزی استفاده می‌کردند که باید با آنها مقابله جدی صورت می‌گرفت.

یکی از این نمونه‌ها، طرح ترور پیامبر ﷺ در ضمن جلسه دستانه ایشان، با یهودیان بنی‌نضیر در کنار قلعه آنان است. ایشان، در کنار قلعه یهودیان، با کمب بن اشرف صحبت می‌کرد که در این هنگام، میان یهودیان بذر توطئه‌ای پاشیده شد. آنان تصمیم گرفتند از پشت بام سنگ بزرگی بر ایشان علیهم السلام بیفکند تا برای همیشه از دست او رهایی یابند. اما وقتی مهیای انجام این کار شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی آگاه گردید و بی آنکه با یاران خود سخنی بگوید، به مدینه بازگشت (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۱۰۵؛ ابن‌هشام، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶۸۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۸).

از مصادیق مهم فتنه‌انگیزی و ایجاد ناامنی اهل کتاب در جامعه اسلامی نیز، جسارت فردی از یهودیان قبیله بنی‌قینقاع، به یکی از زنان مسلمان در بازار و هنگام داد و ستد است که با کشته شدن دو نفر، حوادث تلخی را رقم زد (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴؛ ابن‌هشام، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۷۳؛ ابن‌سعد، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۸۲۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۱). توطئه‌های دیگری از این قبیل نیز وجود داشت. مانند توطئه یهودیان بنی قینقاع (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۹۹۷)، یهودیان بنی‌نضیر (همان، ص ۱۰۵۴؛ ابن‌اثیر، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۵۶۴ و ۵۶۵)، یهودیان شرکت کننده در جنگ احزاب (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۱۰۶۷) و یهودیان بنی‌قریظه (همان، ص ۱۰۸۲). همچنین، تمرّد قبیله مسیحی بنی‌کلب، که با تهاجم به نواحی مدینه، امنیت این شهر را به خطر افکنده بود، موجب شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، گروهی را به فرماندهی عبدالله بن عوف، برای دفع توطئه آنان به «دومة الجندل» بفرستد. سه نبرد دیگر با مسیحیان در قالب جنگ‌های «موتّه»، «تبوک» و سریه‌ای، با قبیله «کنده» نیز از همین دست است (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹).

توجه به اوضاع کنونی جوامع اسلامی و تداوم تهاجم‌های اهل کتاب و احساس خطر جدی مسئولان از این فعالیت‌ها، به خصوص هشدارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، در مورد تحرکاتی چون تبشیر مسیحی و بحث کلیساهای خانگی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹)، ضرورت آشنایی با شیوه دفاعی کارآمد، در مواجهه با اهل کتاب را برای حفظ جامعه اسلامی و مصونیت آحاد مردم مسلمان در مقابل هجمه‌های آنان آشکار می‌کند. از سوی دیگر، چگونگی برخورد با اهل کتاب، ایستادگی در برابر هجمه‌هایی که بر اسلام و مسلمانان وارد می‌کنند، نیاز به دقت‌هایی دارد که ممکن است غفلت از آنها موجب اشتباه در اتخاذ واکنش‌های مناسب شده، ما را هم از رسیدن به نتایج مطلوب و هم از انجام تکلیفی که بر عهده ما نهاده شده، باز دارد.

با توجه به اینکه طبق بررسی انجام شده، به رغم وجود آثار مکتوب کلی درباره چگونگی رفتار با اهل کتاب، مقاله یا کتاب مستقلی با این موضوع خاص یافت نشده است. مقاله حاضر، با عنایت به اصل و ریشه راستین اهل کتاب، بر این است که با در نظر گرفتن حقانیت دین اسلام و معصومان علیهم السلام، بُعد هدایت‌گری کامل آنان و لزوم الگوگیری از ایشان علیهم السلام، شیوه‌های مواجهه نظامی ایشان با اهل کتاب را از طریق مطالعه سیره نورانی‌شان، با هدف ارائه الگویی مناسب برای مسلمانان بررسی کند. از این رو، با بررسی رویکردها، روش‌ها و ابزارهای نظامی مورد توجه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، به جمع‌بندی و بیان ویژگی‌های این مواجهه می‌پردازیم.

الف) رویکردها

بخش مهمی از موفقیت‌های اسلام و گسترش آن، از برنامه و نظارت جامعی به عنوان رویکردهای نظامی رهبران اسلامی نشأت گرفته است. آمادگی دائم نظامی، هوشیاری، دوراندیشی و پیشگیری از تهاجم‌ها و واکنش نظامی متناسب با تهاجم‌ها، از اصلی‌ترین رویکردهای نظامی معصومان علیهم السلام هستند که در ذیل به توضیح آنها می‌پردازیم:

۱. آمادگی دائم نظامی

معصومان علیهم السلام، حتی در شرایطی که امکان در دست داشتن قدرت برایشان فراهم بود، به حفظ آمادگی در مقابل تهاجم‌های احتمالی یا قطعی مخالفان توجه جدی داشتند. این امر، که سبک و روش رهبری ایشان برای ایجاد امنیت لازم در مسیر هدایت امت اسلامی بود، حتی در هنگام صلح نیز مورد اهتمام قرار می‌گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به مالک/اشتر، پس از توصیه او به اینکه در صورت پیشنهاد صلح از سوی دشمنان، آن را بپذیرد، به او گوش‌زد می‌کند که پس از صلح، خیالی آسوده نداشته باشد و مراقب اوضاع باشد. ایشان می‌نویسد: «لکن زنه‌ار! زنه‌ار! از دشمن خود پس از آشتی کردن؛ زیرا گاه، دشمن نزدیک می‌شود تا غافل گیر کند. پس دوراندیش باش و حسن‌ظن خود را متهم کن (به دشمن سوءظن داشته باش)» (نهج‌البلاغه، ن ۵۳).

پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به مدینه، آن حضرت صلی الله علیه و آله از همان سال نخست، اقداماتی را برای ایجاد آمادگی همیشگی در سپاه اسلام انجام داد. به عنوان نمونه، با برگزاری مانورهای جنگی مختلف و اعزام «نیروهای گشتی» همه اوضاع منطقه را زیر نظر می‌گرفت و نیروهای نظامی خود را وارد عرصه‌های میدانی می‌نمود. فرستادن سپاه سی نفره به فرماندهی حمزه بن عبدالمطلب، به کرانه‌های دریای احمر، اعزام عبیده بن حارث بن عبدالمطلب، به همراهی شصت یا هشتاد سواره نظام، فرستادن سعد/ابی وقاص، با هشت نفر برای تحقیق از وضع قریش، تعقیب کاروان قریش با حضور شخص پیامبر صلی الله علیه و آله، در چندین مورد و اعزام هشتاد نفر به فرماندهی عبدالله بن جحش، برای تعقیب کاروان قریش از جمله این موارد است (سبحانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۷). این مراقبت‌ها، برای ایجاد امنیت بیشتر در برابر مخالفان اسلام اعمال می‌شد.

در مورد اهل کتاب نیز امر چنین بود. واکنش‌های قاطع و به موقع پیامبر اسلام (ص)، در کوتاه‌ترین فرصت ممکن، پس از مشاهده خیانت از جانب اهل کتاب، حکایت از آمادگی دائم معصومان علیهم السلام در برابر اهل کتاب دارد. به

رغم اینکه پیامبر گرامی اسلام ﷺ، به نشانه تسلیم اهل کتاب و تعهدشان برای زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان و عدم تحریک و تبلیغ علیه اسلام، از آنان جزیه دریافت می‌کرد(ر.ک: الزین، ۲۰۰۳م؛ ر.ک: جبر، ۲۰۰۲م)، و پیمان‌نامه‌های محکمی نیز با آنان بسته بود، اما وقتی با خیانت عده‌ای از آنان، مانند یهودیان بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه مواجه شد، بی‌درنگ در برابر آنان لشگر کشید. پس از محاصره و قدرت‌نمایی، آنان را به شکست وادار کرد(طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۹۹۸ و ص ۱۰۸۲-۱۰۹۰). این مطلب، نشان می‌دهد که ایشان، آمادگی دائم برای مقابله با توطئه‌های اهل کتاب را به عنوان رویکردی اساسی اتخاذ کرده بود. به همین دلیل، در برابر توطئه آنان غافل‌گیر نشد. کسب موفقیت‌های پیامبر ﷺ در برابر قبایل ده‌گانه یهودیان مدینه، که حدود پنج‌هزار نفر جمعیت داشتند و تقریباً مساوی با انصار بودند و از ثروت و توانایی بالایی برخوردار بودند، این مطلب را تقویت می‌کند.

۲. هوشیاری

حفظ هوشیاری کامل، از اصلی‌ترین رویکردهای معصومان ﷺ در برابر فعالیت‌های آشکار و نهان مخالفان و از جمله اهل کتاب بود. معصومان ﷺ در موقعیت‌های گوناگون، با حفظ هوشیاری بالا و زیر نظر گرفتن مسایل پیرامون خود، به محض احساس یا اطلاع از خطر، با فرستادن نمایندگان به محل‌های مشکوک، تشکیل جلسه مشورت و اتخاذ تصمیمات حکیمانه، در برابر تهاجم‌های گوناگون موضع می‌گرفتند. به این ترتیب، زمینه موفقیت خویش را در این حوادث فراهم می‌کردند. در بیعت عقبه دوم، پیامبر اعظم ﷺ با حفظ هوشیاری، به انصار می‌فرمودند: سخن بگویند اما مختصر؛ زیرا بر ما جاسوسانی گماشته‌اند(حمیدالله، ۱۳۶۵، ص ۴۵).

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ برای استقراض به قلعه یهودیان بنی‌نضیر رفتند و به گفت‌وگو با آنان پرداختند، با هوشیاری کامل، اوضاع پیرامون را رصد می‌کردند و به محض احساس خطر، محل را ترک نموده، به مدینه بازگشتند و به همراه سپاهی مجهز به قلعه بازگشتند و در برابر آنان صف کشیدند(طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۱۰۵۵). این رفتار پیامبر ﷺ، به روشنی پیام لزوم هوشیاری کامل در مقابل اغیار را برای همه مسلمانان بیان می‌کند. نکته دیگری که در این جریان محتمل است و بعضی از مفسران بدان اشاره کرده‌اند، اینکه ممکن است ایشان به قصد ارزیابی به اقامت‌گاه بنی‌نضیر رفته باشند(سبحانی، ۱۳۷۱، ص ۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۸۴)؛ این هم نشانگر هوشیاری دیگر و عدم غفلت ایشان از اوضاع پیرامون است. می‌توان این رویکرد معصومان ﷺ را در راستای دستور مستقیم قرآن کریم دانست که می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. [نشانه‌های] دشمنی از دهان [و کلام] شان آشکار شده و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات [و راه‌های پیش‌گیری از شرّ آن‌ها] را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید(آل عمران، ۱۱۸).

امیرالمؤمنین علیؑ درباره ضرورت هوشیاری و حفظ اسرار نظامی می‌فرماید: «آگاه باشید! حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی، هیچ چیز را از شما پنهان نسازم»(نهج‌البلاغه، ن ۵).

۳. دوراندیشی و پیشگیری از تهاجمها

مواجهه موفق با تهاجمها به ابعاد مختلفی وابسته است. از آن جمله، می توان به لزوم دوراندیشی و پیشگیری خردمندانه از تهاجمهای احتمالی اشاره کرد. رسول گرامی اسلام ﷺ، غیر از مبارزه با مهاجمان، دست به اقدامات دیگری زدند که نشان از رعایت این رویکرد دارد. ایشان علاوه بر بستن پیمان با یهودیان «بنی نضیر»، «بنی قریظه» و «بنی قینقاع»، برای از بین بردن خطر احتمالی توطئه یهودیان دیگر، آنان را نیز به اسلام دعوت کردند و بدون جنگ یا با جنگ، آنان را در گروه اهل ذمه گنجانده و خطرشان را از پیش مرتفع نمودند.

ایشان ﷺ، در سال هفتم هجرت، پس از دعوت از یهودیان خیبر و سر باز زدن آنان، با سپاهی عازم خیبر شد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۳). پس از جنگ با آنان، در طی معاهدهای آنان را در مقابل دریافت سهمی از حاصل کشتزارها و نخلستانها، بر سرزمین شان باقی گذاشت (بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۳۶). بدین ترتیب، ایشان خطر توطئه شان را از بین برد. در بازگشت از همین جنگ نیز یهودیان فدک را وادار به پذیرش پیمان نامه ای مانند عهدنامه خیبر نمود (همان، ص ۴۲). در ادامه با یهودیان وادی القری نیز جنگید و پیمان مشابه دیگری با آنان منعقد کرد (همان، ص ۴۷). یهودیان تیماء نیز با دیدن اوضاع، خود نزد رسول خدا ﷺ آمدند و با همان شرایط، با ایشان مصالحه کردند (مسعودی، بی تا، ص ۲۲۴). همه این موارد، نمونه هایی از دوراندیشی ها و اقدامات پیشگیرانه معصومان ﷺ است که در سیره نبی مکرم اسلام ﷺ به چشم می خورد.

۴. واکنش نظامی متناسب با تهاجمها و شرایط موجود

رویکرد دیگر معصومان ﷺ، در مواجهه با اهل کتاب، واکنش های متناسب با تهاجم های رخ داده و شرایط موجود بود؛ گاه به صورت مقابله به مثل، گاه با واکنش های شدیدتر به توطئه ها و گاه، به شکل جنگ نظامی انجام می شد. در جریان حوادث یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه، زمانی که پیامبر اکرم ﷺ پیمان شکنی آنان را مشاهده کرد، با مقابله به مثل، خود نیز پیمانش را شکست و به جنگ با آنان رفت و آنان را وادار به تسلیم نمود. قرآن نیز در این مورد به پیامبر اکرم ﷺ فرموده بود: «و هر گاه [با ظهور نشانه هایی،] از خیانت گروهی بیم داشته باشی [که عهد خود را شکسته، حمله غافل گیرانه کنند]، به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمان شان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی دارد!» (انفال: ۵۹).

نگاه دقیق تر به رفتار پیامبر اکرم ﷺ با یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه، بیانگر این رویکرد است که ایشان با احساس خطر جدی از ناحیه آنان، نه تنها با موضع گیری قاطع خود، با این گروهها مقابله به مثل کرد، بلکه رفتار ایشان پاسخی شدیدتر و کوبنده تر از آنچه بود که از آنان سر زده بود.

همچنین، در این مورد که چرا پیامبر اکرم ﷺ با این گروهها جنگید، باید گفت: اگرچه رویکرد اولیه اسلام، جنگ نیست، ولی اگر ضرورت ایجاد شود، اسلام برای از بین بردن کانون های زورگویی و ریشه کن کردن فسادانگیزان جامعه، با به کار گرفتن سلاح برای سرکوبی مخالفان صلح و آزادی اقدام می کند؛ مثلاً اگر گروهی جنگ با

مسلمانان را آغاز کنند، یا با برنامه‌های شیطانی خود، سبب انحراف آنان شوند (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۲۷ و ۱۳۱). قرآن به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد که اگر کفار از پیمانی که با تو داشتند، سر باز زدند و از در جنگ بر تو وارد شدند، تو نیز با کامل‌ترین توان خود با آنان مبارزه کن و شرشان را کوتاه گردان. خداوند، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اگر آن‌ها را در [میدان] جنگ بیابی، آن چنان به آنها حمله کن که جمعیت‌هایی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند. شاید متذکر گردند [و عبرت گیرند]» (انفال: ۵۷).

البته بر اساس بینش قرآن، مسلمانان در صورتی باید وارد جنگ شوند که رفتار یا تهاجمی ظالمانه نسبت به مسلمانان صورت گرفته باشد. قرآن می‌فرماید: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آن‌ها تواناست» (حج: ۳۹). بر همین اساس، همواره به حد ضرورت اکتفا می‌شد و این گونه نبود که جنگ یک راه همیشگی برای پیش‌برد اهداف اسلام و گسترش آن باشد (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۳۳).

ب) روش‌ها

معصومان ﷺ برای پیش‌برد رویکردهای خویش، از روش‌های دقیق نظامی استفاده می‌کردند و برای هجمه‌های گوناگون اهل کتاب، برنامه‌ریزی‌های مؤثر و قابل اتکا داشتند. در اینجا، به معرفی مواردی از روش‌های نظامی اتخاذ شده از سوی ایشان می‌پردازیم که عبارت است از: پیمان عدم تعرض و حفظ ارتباط، اجرای قانون ذمه، مراقبت در فروش سلاح، نفوذ افراد مورد اعتماد در میان اهل کتاب، هشدار و اتمام حجت، تجهیز و قدرت‌نمایی، ایجاد قرارگاه مرکزی و در نهایت، جنگ سخت.

۱. پیمان عدم تعرض و حفظ ارتباط

معصومان ﷺ، برای حفظ امنیت مسلمانان، با افرادی از اهل کتاب، که احتمال خطر از سوی آنان داده می‌شد، پیمان می‌بستند که در مقابل اجازه‌ای که مسلمانان به اهل کتاب می‌دهند، تا در کنارشان زندگی کنند، اهل کتاب حق هیچ گونه تعرض و دست‌اندازی به جامعه اسلامی را نداشته باشند. پیمان عدم تعرض پیامبر ﷺ از یهودیان اوس و خزرج (بنی عوف، بنی ساعده، بنی حارث، بنی چشم، بنی نجار، بنی عمروبن عوف، بنی نسیب و بنی اوس)، هنگام ورودشان به مدینه و سپس، گرفتن پیمان از «بنی نضیر» و «بنی قریظه» و «بنی قینقاع» از این جمله بود (ابن هشام، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۰۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۶۰). پیامبر اکرم ﷺ در این پیمان‌نامه‌ها، از این یهودیان پیمان گرفت:

نه در شب و نه در روز، با زبان، دست، سلاح و مرکب، فعلیتی بر ضرر رسول خدا (ص) و هیچ یک از اصحاب او نداشته باشند، و اگر چنین اقدامی نمودند، رسول خدا ﷺ در ریختن خون آنان، اسیر کردن فرزندان و زنان و ضبط اموالشان آزاد است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۱۱۱).

حضرت ﷺ، این پیمان‌نامه را برای هریک از این قبیله‌ها به صورت جداگانه نوشت و از آنان تعهد گرفت. این پیمان‌نامه‌ها، زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و اهل کتاب را فراهم کرد و خطر درگیری میان دو طرف

را تا حد زیادی کاهش می‌داد. در فرازی از این عهدنامه‌ها، چنین آمده است: «از یهود نیز هر کس از ما پیروی کند، از یاری و همراهی ما برخوردار خواهد بود؛ نه به او ظلم می‌شود و نه مسلمانان بر ضد او کسی را یاری می‌کنند» (احمدی میانجی، ۱۳۱۹ق، ج ۳، ص ۲۴).

میان پیامبر اسلام ﷺ و مسیحیان نجران نیز پیمان عدم تعرضی بسته شد که صلح‌طلبی اسلام در آن مشهود است. در این پیمان‌نامه، در عوض تأمین امنیت مسیحیان، اسلام متعهد شد که مسیحیان را در اجرای مراسم دینی آزاد بگذارد، تغییری در حقوق و امتیازات آنان ندهد، هیچ اسقف و کشیشی از مقام خود و هیچ راهب از صومعه خود عزل نشود و...؛ مسیحیان نیز در مقابل این موارد، متعهد گردیدند که ستم و تجاوز نکنند و در صورت وقوع جنگ، سی زره، سی اسب و سی اشتر به مسلمانان عاریه دهند (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۹۵).

البته مسلمانان با وجود این پیمان‌نامه‌ها، هرگز در برابر خطر دشمنان دیگر، بر دوستی آنان تکیه نمی‌کردند و با هوشیاری کامل، با حوادث مواجه می‌شدند. این موارد، اقدام‌های دفاعی پیش‌گیرانه‌ای است که پیامبر اسلام ﷺ از طریق آنها، نظام دفاعی اسلام در برابر تهاجم‌های اهل کتاب را سامان بخشید و امنیت بیشتری را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد؛ چرا که با این کار، هم از خطر توطئه‌های آنان در امان بود و هم می‌توانست با هم‌پیمانی با آنان، در برابر دشمنان دیگر اسلام مانند مشرکان با قدرت بیشتری بایستد و خطرشان را خنثی نماید.

۲. اجرای قانون ذمه

از آنجا که اهل کتاب، دست‌کم ادعای پیروی از یک دین آسمانی را داشتند که از سوی خداوند متعال و توسط یکی از پیامبران او آورده شده است، اسلام در احکام مختلف، تفاوت‌هایی را میان آنان و مشرکان گذاشته است. این تفاوت‌ها، که همواره به سود اهل کتاب نیز بوده و موجبات زندگی ایمن و مترقی را برایشان فراهم آورده است، شامل قانون‌گذاری دقیق برای جوانب مختلف زندگی آنان است. طبق یکی از این قوانین، که از سوی معصومان ﷺ اجرا می‌شد و مسلمانان هر عصری بدان عمل می‌کردند، اهل کتاب در صورتی می‌توانند در جامعه اسلامی زندگی کنند که با مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. اسلام را محترم بشمارند و بر ضد مسلمانان و اسلام، دست به هیچ‌گونه تحریک و تبلیغی نزنند. از نشانه‌های تسلیم آنان در برابر این نوع هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیز این است که در هر سال مبلغ اندکی را تحت عنوان «جزیه» به حکومت اسلامی بپردازند. این وضعیت حقوقی اهل کتاب در جامعه اسلامی را «ذمه» می‌گویند (ر.ک. دندل جبر، ۲۰۰۲م؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۰؛ شریعتی، ۱۳۸۱؛ الزین، ۲۰۰۳م، کلانتری، ۱۳۷۴).

بنابراین روش، که معصومان ﷺ به دستور خداوند آن را اجرا می‌کردند، اگر حکومتی اسلامی برقرار باشد، میان مسلمانان و اهل کتاب تعهدی دوجانبه برقرار می‌شود و اهل کتاب مبلغی را به عنوان «جزیه» پرداخت می‌کنند. نتیجه آن، حمایت مسلمانان از جان، آبرو و اموال اهل کتاب و پیش‌گیری از آسیب‌هایی است که احتمال می‌رود از جانب آنان، جامعه اسلامی را تهدید کند (الحسنی الخربوطلی، ۱۹۶۹م، ص ۶۵). اسلام در قبال پذیرش تعهد حفظ جان و

مال اهل ذمه و برخی دیگر از امور، آنان را به کارهایی ملزم کند که در واقع، روشی دفاعی در برابر تهاجم‌های احتمالی آنها به حساب می‌آید. کارهایی مانند اینکه نباید به اسلام توهین کنند. نباید مسلمانان را به دین خود در آورند. نباید کلیسا یا کنیسه جدیدی بسازند و نباید با تبنانی با دشمنان اسلام، به حکومت اسلامی خیانت کنند (ر.ک. جبر، ۲۰۰۲؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۰؛ شریعتی، ۱۳۸۱؛ الزین، ۲۰۰۳؛ کلاتری، ۱۳۷۴).

۳. مراقبت در فروش سلاح

از نکات مهم در بحث روش‌های نظامی معصومان علیهم‌السلام، مراقبت در فروش سلاح به اهل کتاب است. اگرچه اکنون نظر واحدی در زمینه جواز فروش سلاح به غیرمسلمانان وجود ندارد. برای مثال، سید یزدی درباره جواز یا منع فروش سلاح به کفار هشت نظر را مطرح می‌کند (طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰)، اما به طور کلی، همه روایات موجود در این زمینه، بر این نکته تأکید می‌کنند که مراقبت‌های سیاسی و نظامی در این امور لازم و ضروری است.

روایاتی از معصومان علیهم‌السلام در این زمینه وجود دارد. برای مثال، روایت *علی بن جعفر (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۷۰)*، هند *سراج (همان، ج ۱۷، ص ۱۰۲)*، *حضر می (همان، ج ۱، ص ۶۹)* و ... بر حرمت فروش سلاح و تجهیزات جنگی، هنگام جنگ با دشمن تأکید دارند.

بر اساس همین روایات، شهید ثانی (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸۷) و فقیهان معاصری چون مرحوم خوبی (همان، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹) و استاد میرزا جواد آقا تبریزی (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۵)، به حرام بودن مطلق فروش سلاح به کافران در حال جنگ و صلح حکم کرده‌اند. مشهور فقها (طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰) نیز نظری را که مرحوم شیخ انصاری (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۹) آن را تقویت کرده است، اختیار نموده، حرام بودن فروش در حال جنگ و جواز فروش در حال صلح و سازش را صحیح می‌دانند. برخی نیز مانند *اصم خمینی (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷)، این امر را مسئله‌ای سیاسی و تابع رأی دولت و حکومت می‌دانند.*

۴. نفوذ افراد مورد اعتماد در میان اهل کتاب

نفوذ افراد مورد اعتماد در میان اهل کتاب، برای پیشگیری از توطئه‌ها یا مبارزه با تهاجم‌های اهل کتاب، یکی از روش‌های دیگری است که توسط معصومان علیهم‌السلام به کار گرفته شده است. در جریان جنگ احزاب، هنگامی که مسلمانان با لشکر متحدی از قبایل عرب، اعم از مشرکان، کفار و یهودیان مواجه شدند، یکی از یهودیان تازه مسلمان شده، به نام *نعمین بن مسعود*، خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و به ایشان عرض کرد: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! من تازه مسلمان شده‌ام و قومم از این جریان اطلاعی ندارند. پس آنچه صلاح می‌دانی بفرما تا انجام دهم. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز که به تأثیر فراوان چنین شخصی در میان دشمنان آگاه بود، به ایشان فرمود: «هرگونه می‌توانی دشمن را بران؛ زیرا [اساساً] جنگ عبارت است از نیرنگ» (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۵۷۲). به این صورت، دست او را برای هر اقدامی باز گذاشت و او با نفوذ در میان دشمن و پیاده کردن نقشه‌ای مناسب، توانست ضربه سنگینی به آنان وارد کند (همو، ۱۹۹۴م، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۴؛ ابن هشام، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۱۰).

دقت در برخی جملات معصومان نیز نشان می‌دهد که ایشان از روش فرستادن افراد مورد اعتماد خود، به عنوان مأمورهای اطلاعاتی، برای دریافت اخبار سرّی و انتقال آنها به ایشان استفاده می‌کردند. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه‌ای به فرماندار خود در مکه، به نام قائم‌بن عباس می‌نویسد: «همانا مأمور اطلاعاتی من در شام به من اطلاع داده است...» (نهج‌البلاغه، ن ۳۳).

۵. هشدار و اتمام حجت

در مواقع مورد نیاز، برای ایجاد تأثیری عمیق‌تر و فرورودن اهل کتاب در اندیشه و ترس از عواقب مخالفت با اسلام، هشدار و اتمام حجت با اهل کتاب، روش مهم دیگری بود که از جانب معصومان علیهم السلام به کار گرفته می‌شد. این هشدارها، گاه ناظر به عواقب اخروی بود و گاه فرجام بد دنیوی را برای دشمنان بیان می‌کرد؛ گویا همیشه همراه با دعوت طرف مقابل به پذیرش اسلام بود (ابن‌سعد، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۶۸). از سیره معصومان علیهم السلام می‌توان دریافت که ایشان، پیش از هر رویارویی فیزیکی، همواره خود را ملزم به این اتمام حجت‌ها و هشدارها می‌دانستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به دستور خداوند متعال، این آیه را بر اهل کتاب تلاوت فرمودند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلَا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ قَرَدِّهَا عَلَى أُدْبَارِهَا أَوْ تَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (نساء: ۴۷)؛ ای کسانی که کتاب [خدا] به شما داده شده! به آنچه [بر] پیامبر خود] نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست - ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورت‌هایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» (گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل) را دور ساختیم و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است!

هشدارهای دیگری نیز از آیات قرآن کریم در همین راستا به چشم می‌خورد (ر.ک. مائده: ۵۴؛ نساء: ۱۳۳) که همگی شاهد بر این روش دفاعی اسلام است. در این آیات، قرآن به صراحت می‌گوید: با هیچ قومی، عهد اخوت و مودت ندارد و اگر خوب عمل نکنند، از آنان اعراض خواهد شد. از نمونه‌های روشن بهره‌گیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این روش، جریان پیمان شکنی یهودیان بنی قینقاع است که حضرت پس از بازگشت از جنگ بدر و مشاهده این پیمان شکنی، در بازار شهر ایستاد و به آنان فرمود: «ای یهودیان! اسلام بیاورید؛ - زیرا به خدا سوگند که شما می‌دانید من فرستاده خدا هستم - پیش از آنکه خدا آنچه را که بر سر قریش آورد، بر سر شما نیز بیاورد...» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۹).

در اهمیت جایگاه مهم اتمام حجت و هشدار، اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نامه خود به اسقف/یله می‌نویسند: «من با شما جنگ نمی‌کنم تا آنکه برای شما نامه بنویسم» (حمیدالله، ۱۳۶۵، ص ۹۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۱). هنگامی که مسیحیان بنی‌کلب به اطراف مدینه حمله کردند و دست به غارت‌گری، تجاوز و کشتار زدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گروهی را به فرماندهی عبدالرحمن بن عوف، برای مانع شدن آنان از این فسادانگیزی‌ها فرستاد. اما به این هیئت اعزامی دستور داد که پیش از هر کاری، آنان را به اسلام دعوت کند. این روش، نتیجه خوبی نیز داشت و پس از آنکه عبدالرحمن بن عوف، از باب اتمام حجت، سه روز آنان را به اسلام دعوت کرد، در نهایت یکی از بزرگان مسیحیان به نام اصبع‌بن عمرو کلبی، و به دنبال او، گروهی از مردم مسلمان شدند و خطرشان خنثی شد (ابن‌سعد، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۶۸).

۶. تجهیز و قدرت‌نمایی

نشان دادن قدرت نظامی و توان مقابلهٔ همه‌جانبه با دشمن، از اصلی‌ترین اموری است که در مسألهٔ دفاع وجود دارد. حضرات معصومان علیهم‌السلام نیز این روش را به کار می‌گرفتند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «تا می‌توانید، در برابر آنان نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا به وسیلهٔ آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و [همچنین] گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد» (انفال: ۶۰).

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جنگ‌ها در آمادگی به سر می‌بردند و سپاهی را تدارک دیده بودند که از لحاظ تجهیزات، سلاح و نفرت در وضعیت خوبی بود (جلیلی، ۱۳۷۴، ص ۹۶). پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از سال نخست هجرت، با برگزاری مانورهای نظامی، توانایی و نیروی دفاعی مسلمانان را به رخ دشمنان می‌کشید (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۷۷). در جریان فتنهٔ «بنی‌قینقاع»، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بی‌درنگ دستور داد تا مسلمانان، قلعهٔ آنان را محاصره کنند و چنان توانایی‌ای را از توان مسلمانان به نمایش گذاشت که سرانجام، بدون هیچ زد و خورد و ریختن خونی، و تنها با قدرت‌نمایی، یهودیان تسلیم و مجبور به ترک قلعه شدند. ابن‌هشام مدت محاصره را شش روز دانسته (ابن‌هشام، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۶۸۲) و طبری، به نقل از *واقعی* می‌نویسد: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پانزده روز یهودیان «بنی‌قینقاع» را محاصره کرد که هیچ کس از آنها به جنگ نیامد. آنگاه به حکم پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تسلیم شدند و دست‌هایشان را بستند...» (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۹۹۷).

در روایت دیگری آمده است: امیرالمؤمنین علیه‌السلام، با گفتن جمله‌های سخت و تهدیدآمیز، قصد نمایش دادن اقتدار مسلمانان را داشتند تا از این طریق، دشمنان را مرعوب ساخته، جلوی هرگونه خیانت و عهدشکنی اهل‌کتاب را بگیرند. یکی از مأموران گردآوری مالیات، حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند:

علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، مرا برای جمع‌آوری مالیات‌های منطقهٔ «بانقیاء» و برخی از نواحی کوفه مأمور کرد. پیش از رفتن، در حضور مردم به من فرمود: «در زمینهٔ مالیات توجه و جدیت داشته باشد و حتی از درهمی مگذر؛ وقتی تصمیم گرفتی سمت محل مأموریت حرکت کنی، نزد من آی». قبل از سفر نزد حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفتم، اما ایشان به طور خصوصی به من فرمود: «آنچه از من شنیدی سیاست بود. مبدا فردی مسلمان، یهودی یا مسیحی را برای درهمی خراج بزنی یا حیوان فردی را [که از آن در کار استفاده می‌کنی] برای درهمی بفروشی. ما مأموریم با عفو و مهربانی از آنان مالیات بگیریم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۲۸). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، حضرت با پرهیز از برخورد به واقع خشمگینانه نسبت به اهل‌کتاب، با اتخاذ روش قدرت‌نمایی، خواستند که آنان را وادار به اطاعت کنند تا فکر نافرمانی و توطئه را از سرشان خارج کنند.

۷. ایجاد قرارگاه مرکزی

تاریخ نشان می‌دهد معصومان علیهم‌السلام، برای پیش بردن بهتر امور مختلف نظامی، مانند شناسایی تهاجمات، آماده‌سازی پاسخ‌های مناسب، انتخاب شیوهٔ مبارزه و... قرارگاه مرکزی تشکیل می‌دادند و در آنجا به بررسی این امور می‌پرداختند. در این قرارگاه‌ها، خود امام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با به دست گرفتن مدیریت، به مشورت با کارشناسان و افراد باتجربه می‌پرداختند. پس از بررسی‌های لازم، تصمیم‌های متناسب را اتخاذ می‌نمودند. این نکته، آن قدر نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

اهمیت داشت که در عهدنامهٔ مدینه آمده است: «هیچ مؤمنی بدون رضایت دیگر مؤمنان و بدون رعایت نظر ایشان، نمی‌تواند در جنگ و جهاد در راه خدا پیشنهاد صلح دهد» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۲۷)؛ یعنی تصمیم افراد باید به صورت یک‌جا بررسی شده و سپس، نظر واحدی اعلام شود. هیچ کس نباید به صورت فردی و پراکنده تصمیمی گرفته، آن را اعمال کند. خود رسول اکرم ﷺ در آغاز ورود به مدینه، با ساخت مسجد، آن را مرکز فرماندهی، مشورت، برنامه‌ریزی و حل و فصل امور قرار داد.

جلسهٔ مشورت در جنگ احزاب، یکی از مصادیق روشن تشکیل قرارگاه در رویارویی‌های پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب بود. در تاریخ آمده است: هنگامی که دشمنان برای مبارزه با مسلمانان هم‌دست شدند، خبر به پیامبر اسلام ﷺ رسید. ایشان مردم را از این جریان آگاه کرد. کار قابل توجه ایشان، در جریان مذکور این بود که برای مقابلهٔ بهتر با این تهاجم بزرگ، با تشکیل جلسهٔ مشورت، در این باره که آیا برای جنگ از شهر خارج شوند، یا در شهر بمانند و به دفاع بپردازند، نظر افراد را جویا شد. در این میان، سلمان فارسی، نظری را مطرح کرد که برای همگان جالب به نظر می‌رسید. او گفت: ما در ایران هنگامی که با گروه بزرگی روبه‌رو می‌شدیم، دور خود خندقی حفر و از ورود دشمنان به سرزمین مان جلوگیری می‌کردیم. در نهایت، همین نظر نیز مورد پذیرش قرار گرفت و به خوبی اجرا شد (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۶۴). در جریان همین جنگ، هستهٔ مرکزی هدایت جنگ با حضور پیامبر اسلام ﷺ، به مدیریت و برنامه‌ریزی برای مشکلات گوناگون پیش آمده می‌پرداخت. از این رو، همهٔ توطئه‌ها خنثی شد. برای مثال، یکی از حوادث جانبی این جنگ، جریان خیانت یهودیان «بنی قریظه» و همکاری آنان، با مهاجمان بود که پیامبر اکرم ﷺ آن را نیز با همراهی بعضی از افراد مورد اعتماد مانند خدیفه مدیریت و خنثی نمود (ابن اثیر، ۱۹۹۴ق، ج ۲، ص ۱۸۳-۱۸۵).

۸ جنگ سخت

از روش‌های دیگر مبارزه با اهل کتاب و دفاع از کیان اسلام، که هم فهم جوانب و هم اجرای آن بسیار مهم است و دقت فراوانی را می‌طلبد، روش جنگ با آنان است. این روش، گاه به عنوان یک شبهه مطرح شده و در صدد ایجاد تلقی شمشیری بودن اسلام است و گاه، دستاویزی برای جاهلان مدعی مسلمانی قرار می‌گیرد. آنان بدون توجه لازم در مسایل مختلف آن، دست به کشتار فراگیر و عمومی اهل کتاب می‌زنند. با در نظر گرفتن این مطلب که پیامبر اسلام مأمور آوردن رحمت برای جهانیان است (انبیاء: ۱۰۷)، هیچ گونه تردیدی باقی نخواهد گذاشت که رفتاری غیرعاقلانه و غیردینی است.

کشتار اهل کتاب به این معنا نیست که مردمی را مظلومانه و آن هم به بهانهٔ اجرای اسلام قتل و عام کنیم. مطالعهٔ سیرهٔ معصومان ﷺ نشان می‌دهد که در بحث دفاعی، قتال با هر اهل کتاب و در هر شرایطی روا نیست. پیامبر اسلام ﷺ هنگام ورود به مدینه با اهل کتاب جنگ نکرد، بلکه ابتدا پیمان‌نامه‌هایی را با آنان منعقد کرد. اما پس از پیمان‌شکنی آنان و هنگامی که چارهٔ دیگری جز برخورد سرسختانه با آنان نداشت، با آنان جنگید. با توجه به

آنچه در قرآن کریم آمده، مسلمانان در صورتی می‌توانند وارد جنگ شوند که تهاجمی ظالمانه علیه آنان صورت گرفته باشد. قرآن می‌فرماید: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازهٔ جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها تواناست» (حج: ۳۹). بر این اساس، در قتال همواره به حد ضرورت اکتفا می‌شد؛ این گونه نیست که جنگ یک راه همیشگی برای پیشبرد اهداف اسلام و گسترش آن باشد، بلکه این میزان جنگ، که اسلام به عنوان دفاع در برابر تهاجم‌های دشمنان تجویز می‌کند، با هر عقل و منطق سالمی سازگار است (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۳۳). در واقع، جنگ همیشه آخرین راه اسلام است. معصومان علیهم‌السلام تنها هنگامی که همهٔ درهای صلح و گفت‌وگو بسته می‌شد، یا وقتی طرف مقابل طغیان و سرکشی می‌کرد، با جنگ موافقت می‌کردند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه به مالک اشتر می‌نویسد: «هرگز پیشنهاد صلح دشمن را که خشودی خدا در آن است، ردّ مکن، که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد» (نهج‌البلاغه، ن ۵۳).

آری، گاه چاره‌ای جز جنگ نیست. در جریان حوادث یهودیان، «بنی‌قینقاع»، «بنی‌نضیر» و «بنی‌قریظه» نیز زمانی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیمان شکنی آنان را مشاهده کرد، با مقابله به مثل، خود نیز پیمانش را شکست و به جنگ با آنان رفت و آنان را وادار به جلا نمود. برای فراگرفتن چگونگی اجرای این روش، باید به جنگ‌های واقع شده میان مسلمانان و اهل کتاب نظری بیندازیم. با نگاهی به تاریخ در می‌یابیم که جنگ میان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یهودیان هنگامی روی داد که دیگر راه‌های قبلی تأثیری نداشت و اهل کتاب دست به توطئه علیه اسلام زده بودند. در این هنگام، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اقتدار کامل با لشکر مخالف روبه‌رو می‌شدند. هنگامی که مأموریت ایشان، به هلاکت رساندن دشمنان اسلام بود، در این کار هیچ تردیدی نمی‌کردند.

هنگامی که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیمان شکنی یهودیان «بنی‌قینقاع» را مشاهده کرد، در برخورد جدی با آنها هیچ درنگ نکرد و با قاطعیت تمام، قلعهٔ آنان را محاصره و آنها را مجبور به تسلیم و اخراج از مدینه نمود و چون زمینی نداشتند، اموال، سلاح و لوازم زرگری‌شان را از آنها گرفت (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۹۹۸). جنگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با «بنی‌نضیر» و اخراج آنان نیز بسیار مقتدرانه انجام شد. در جریان جنگ با «بنی‌قریظه» نیز وقتی که سعد بن معاذ، به عنوان حکم انتخاب شد، و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او دستور داد تا حکم خود را بیان کند. سعد گفت: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حکم من این است که مردان فتنه‌گر بنی‌قریظه کشته شوند. زنان و فرزندان‌شان به اسارت گرفته شوند و اموال‌شان میان مهاجران و انصار تقسیم شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برخاست و فرمود: «به حکم خدا که بالای هفت آسمان است، حکم کرده‌ای» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۸۹). آن گاه این حکم را اجرا کرد. پس از فرستادن زنان بنی‌قریظه به شهر، مردان فتنه‌گر آنان را گردن زد؛ به گونه‌ای که برخی از افراد سست‌ایمان نتوانستند این عمل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برتابند و لب به شکوه گشودند (همان).

امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به جنگ با اهل ذمه‌ای که پیمانش را نقض می‌کند، حکم فرموده، می‌فرماید: «ذمی‌ای که از ذمه‌اش خارج شده، حکمی جز شمشیر ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۶۵). اما نکته‌ای که معصومان علیهم‌السلام اهتمام

ویژه‌ای به آن داشتند، دیپلماسی فعال در حین جنگ، برای تقویت مواضع خویش و به دست آوردن موفقیت‌های بیشتر بود که از طریق انعقاد پیمان‌های سیاسی با قدرت‌های بی‌طرف و جلوگیری از همبستگی گروه‌های مخالف بود. در عین حال، از مذاکره در حین جنگ نیز غفلت نمی‌کردند و در آن‌جا که لازم بود، تلاش می‌کردند از مذاکره با دشمن، برای پایان دادن پیروزمندانه غائله استفاده کنند (جلیلی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۵-۱۱۴).

اما دربارهٔ چگونگی جنگیدن نیز روش‌هایی برای عموم جنگ‌ها از سوی معصومان علیهم‌السلام بیان گردیده است. انتقال جنگ به سرزمین دشمن، تفکیک دشمن به دسته‌های منفرد، و محاصره اقتصادی - نظامی از این جمله‌اند (ناصری، ۱۳۸۷). رعایت مسایل امنیتی نیز از مهم‌ترین امور مورد توجه امامان علیهم‌السلام بود. در بیعت عقبهٔ دوم، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به انصار می‌فرمودند: سخن بگویید اما مختصر؛ زیرا بر ما جاسوسانی گماشته‌اند (حمیدالله، ۱۳۶۵، ص ۴۵). همچنین، امیرالمؤمنین علیه‌السلام به سپاه فرستاده شده از سوی خود به فرماندهی زیاد بن نصر حارثی و شریح بن هانی دربارهٔ چگونگی جنگیدن می‌نویسد:

هرگاه به دشمن رسیدید، یا او به ما رسید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها، یا دامنهٔ کوه‌ها یا بین رودخانه‌ها قرار دهید تا پناه‌گاه شما و مانع هجوم دشمن باشد. جنگ را از یک سو یا دو سو آغاز کنید و در بالای قلعه‌ها و فراز تپه‌ها دیده‌بان‌هایی بگمارید. مبادا دشمن از جایی که می‌ترسید یا از سویی که بیم ندارید ناگهان بر شما یورش آورد! و بدانید که پیشاهنگان سپاه دیده‌بان لشکریانند و دیده‌بانان طلایه‌داران سپاهند. از پراکندگی پرهیزید. هر جا فرود بیایید و هرگاه کوچ می‌کنید، همه با هم کوچ کنید؛ و چون تاریکی شب شما را بپوشاند، نیزه‌داران را بیرون لشکر بگمارید و نخواهید مگر اندک، چونان آب در دهان چرخاندن و بیرون ریختن (نهج البلاغه، ۱۱).

اما اگرچه این تحقیق، تنها به بُعد دفاعی اسلام می‌پردازد، ولی در جنگ‌های ابتدایی، معصومان علیهم‌السلام نیز پس از ابلاغ پیام اسلام و دعوت از آنان انجام می‌شد. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأمور بودند پیام الهی را به گوش همگان برسانند و مکلف به مسلمان نمودن مردم نبودند (تغابن: ۱۲)، اما هر جا که مانعی برای رساندن پیام اسلام مشاهده می‌کردند، سعی در برداشتن موانع می‌کردند که جهادهای ابتدایی نیز در همین راستا انجام می‌شد (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

ج) ابزارها

اصلی‌ترین ابزارهای نظامی، که به وسیلهٔ آنها رویکردها و روش‌های نظامی معصومان علیهم‌السلام عملی می‌شد، عبارت بود از: استفاده از سپاه نظامی کارآمد، بسیج مردمی، و شبکهٔ اطلاعات که به توضیح آنها خواهیم پرداخت:

۱. استفاده از سپاه نظامی کارآمد

همان‌گونه که در بحث روش‌ها گفته شد، جنگ یکی از شیوه‌های دفاع معصومان علیهم‌السلام در برابر تهاجم‌های اهل کتاب بود که در زمان لازم به کار گرفته می‌شد. روشن است که کسب موفقیت با این روش، جز با داشتن سپاهی نظام‌یافته و آماده امکان‌پذیر نبود.

به نقل تاریخ، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سپاهیان منظمی را برای جنگ‌ها گسیل می‌کردند. برای آنها فرماندهان شایسته‌ای تعیین می‌نمودند. تجهیزات لازم را در اختیارشان قرار می‌دادند و پرچم‌هایی را به دست‌شان

می‌سپردند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۹). تاریخ گواه این مطلب است که پیامبر اعظم ﷺ از سپاه نظامی مقتدر در راه دفاع از آیین الهی‌اش استفاده می‌کرد (ر.ک: ناصری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳). ملاحظه کارنامه نظامی و استراتژی‌های دقیق و مدیریت موفق ایشان در فرایند دشوار جنگ، حکایت از انسجام سپاه نظامی ایشان دارد. کسب موفقیت‌های پیامبر ﷺ در برابر قبایل ده گانه یهودیان مدینه، که حدود پنج هزار نفر جمعیت داشتند و تقریباً مساوی با انصار بودند و از طرفی، از ثروت و توانایی بالایی برخوردار بودند، شاهدهی بر این مطلب است.

نظم سپاه نظام یافته پیامبر اعظم ﷺ، اجرای تاکتیک‌های گوناگون جنگی را ممکن می‌ساخت. سپاه اسلام با اتخاذ آرایش نظامی صحیح و به نمایش گذاشتن تاکتیک‌ها و روش‌های مبارزه جالب توجه و گاه بدیع، دشمن را تسلیم می‌کرد. نمونه‌هایی از این روش‌ها را می‌توان در جنگ پیامبر، با یهودیان مدینه و استفاده ایشان از روش‌هایی چون انتقال جنگ به سرزمین دشمن، تفکیک دشمن به دسته‌های منفرد، محاصره اقتصادی - نظامی، اتخاذ روش‌های مقابله در برابر ابزارآلات جنگی جدیدی چون منجنیق، که توسط خیبریان استفاده شده بود و... به روشنی ملاحظه کرد (همان، ص ۱۴۱-۱۴۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ضرورت وجود سپاه نظامی کارآمد می‌فرماید: «پس سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راه‌های تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد» (نهج البلاغه، ن ۵۳). ایشان در ادامه، به لزوم تأمین مخارج اداره سپاه توسط مالیاتی که از مردم گرفته می‌شود، اشاره کرده، می‌فرمایند: «پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را بر طرف سازند» (همان). این موارد نشان از بهره‌گیری معصومان علیهم السلام از سپاه نظامی منسجمی در حکومت اسلامی، برای دفاع از اسلام در برابر تهاجم‌های اهل کتاب دارد (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۱۲۸).

۲. بسیج مردمی

بی‌تردید معصومان علیهم السلام از بسیج مردم در امور سیاسی و نظامی برای دفاع از کبان اسلام استفاده می‌کردند. این‌گونه نبوده است که ایشان تنها به وجود یک لشکر اکتفا کنند و همه برنامه‌های خود را بر آن اساس تنظیم نمایند. در عصر ایشان، مسلمانان همه کارهای روزمره خودشان را انجام می‌دادند. هنگام وقوع جنگ، همه به میدان جنگ می‌آمدند و می‌جنگیدند. جهاد و یادگیری آن بر همه واجب بود. همه جنگ‌هایی که در عصر نبوی روی داده، با مشارکت بسیج مردمی انجام می‌گردید. فرازی از خطبه امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز حکایت از ابزار بسیج مردمی دارد. ایشان در مسیر حرکت به شام برای جنگ با شامیان، می‌فرماید:

پیشتران لشگرم را از جلو فرستادم و دستور دادم در کنار فرات توقف کنند تا فرمان من به آنها برسد؛ زیرا تصمیم گرفتم از آب فرات بگذرم و به سوی جمعیتی از شما که در اطراف دجله مسکن گزیده‌اند رهسپار گردم و آنها را همراه شما بسیج نمایم و از آنها برای کمک و تقویت شما یاری بطلبم (نهج البلاغه، خ ۴۸).

این فرمایش حضرت، نشان می‌دهد که ایشان در صدد بودند از همه ظرفیت مردم مسلمان استفاده کنند، نه فقط از

یک سپاه متشکل از نیروهای نظامی خاص. اما درباره به کارگیری این ابزار، در مواجهه معصومان علیهم السلام با اهل کتاب کافی است بدانیم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جنگ‌های دفاعی خود با آنان، فرمان جهاد عمومی صادر می‌کردند و مردم را فرا می‌خواندند. نمونه‌های روشن آن در جریان جنگ احزاب برای حفر خندق، دستور حرکت رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جنگ با بنی‌نضیر و مانند آن قابل مشاهده است.

۳. تشکیل شبکه اطلاعات

معصومان علیهم السلام افراد مورد اعتمادی را برای دریافت خبرهای جدید از اوضاع مخالفان اسلام تعیین می‌کردند. آنان را به کار جمع‌آوری اطلاعات می‌گماشتند. پیش از این گفته شد که در جریان جنگ احزاب، یکی از یهودیان تازه مسلمان شده به نام *نعیم بن مسعود* از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور شد تا در میان لشگر دشمن نفوذ کند و علاوه بر انتقال اخبار آنان به ایشان، کارهای لازم را برای اتحادزایی از دشمنان انجام دهد (ابن‌اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۵۷۲).

همچنین، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توطئه یهودیان خیبر و هم‌دستی بعضی از قبیله‌ها، مانند قبیله «بنی‌سعد»، با آنان برای حمله به مسلمانان مواجه شد، خود را برای جنگ با یهودیان خیبر آماده کرد. اقدامی که ایشان پیش از آغاز جنگ انجام داد، اعزام گروهی سه نفره برای به دست آوردن اطلاعات لازم از وضعیت تجهیزات و توانایی‌های اهل خیبر بود. ایشان برای این کار، *عبدالله بن رواحه* (ابن هشام، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۴؛ عسقلانی، ۱۳۲۸، ج ۲، ص ۳۰۶) را با دو نفر دیگر به خیبر فرستاد. این گروه توانست پس از اقامت سه روز در آنجا، اطلاعاتی را به دست آورد و به پیامبر صلی الله علیه و آله منتقل کند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۶۶). ایشان، به اندازه‌های نکات مربوط به حفاظت اطلاعات و امر اختفا و استتار مراعات می‌کرد که وقتی سپاه اسلام را به پشت دژهای خیبر رساند، یهودیان از حمله این سپاه، هیچ گونه اطلاعی نیافته بودند (ابن اسحاق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۲۲).

البته این ابزار به دفاع در برابر تهاجم‌های اهل کتاب اختصاص نداشت، در موارد گوناگونی توسط معصومان علیهم السلام به کار گرفته شده است. برای نمونه، به نقل تاریخ، در جنگ بدر، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پس از دستگیری یکی از جاسوسان دشمن، از او اطلاعاتی درباره تعداد، موقعیت و امکانات لشگر دشمن اخذ نمود و او را زندانی کرد. آن‌گاه دو تن از یاران خود را به نام‌های *بشیر بن ابی‌الربیع* و *محمد بن ابی‌عمرو*، برای کسب اطلاعات بیشتر به سوی دشمن فرستاد و آنها پس از انجام مأموریت، گزارشی را به ایشان تقدیم کردند (المطلبی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۴۴۹؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۵۷). همچنین، در جنگ احد، *عباس بن عبدالمطلب*، نقش مأمور اطلاعاتی را در میان سران مشرکان قریش داشت (ر.ک. ناصری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳).

همچنین، در جنگ حنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به *عبدالله بن ابی‌حدره*، فرمود: به میان مردم برو و از آنان اطلاعات و اخباری کسب کن. به خصوص، سخنان *مالک*، فرمانده آنان را بشنو و به اطلاع ما برسان. او نیز با نفوذ به جایگاه فرماندهی، اخبار و اطلاعات با ارزشی به دست آورد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش کرد. (ابن هشام، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۰). این نمونه‌ها، نشان از وجود شبکه اطلاعاتی قوی در دستگاه معصومان علیهم السلام دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام با بهره‌گیری از اصول منطقی و استفاده مثبت از همه ظرفیت‌های موجود، رویکردهای خود را به گونه‌ای اتخاذ می‌کردند که بتوانند به تناسب، همجه‌های وارد شده، واکنش‌های لازم و صحیح را نشان دهند. بر این اساس، ایشان آمادگی دائم نظامی، هوشیاری، دوراندیشی و پیشگیری از تهاجم‌ها، و واکنش نظامی متناسب را به عنوان رویکردهای خود برگزیدند. آنگاه این رویکردها را با روش‌هایی کاملاً واقع‌بینانه و مدبرانه به اجرا می‌گذاشتند. روش‌هایی چون پیمان عدم تعرض و حفظ ارتباط، اجرای قانون ذمه، مراقبت در فروش سلاح، نفوذ افراد مورد اعتماد در میان اهل کتاب، هشدار و اتمام حجت، تجهیز و قدرت‌نمایی، ایجاد قرارگاه مرکزی، و جنگ سخت. البته بنا بر آنچه گفته شد، این روش‌ها، هنگامی به نتیجه مطلوب رسید که با ابزارهای مؤثری چون استفاده از سپاه نظامی کارآمد، بسیج مردمی و تشکیل شبکه اطلاعات انجام شد. با دقت در این موارد، توجه به دو عنصر در سیره نبوی و علوی کلیدی است: ۱. هدف؛ ۲. برنامه.

۱. هدف: هدف در مواجهه با اهل کتاب، فقط شکست و از بین بردن آنان نیست، بلکه گاه، می‌توان با بستن پیمان‌نامه یا گرفتن جزیه، از جنگ پیش‌گیری کرد. همچنین، پیش از جنگ باید اتمام حجت کرد و چه بسا افرادی از اهل کتاب با همین اتمام حجت، مسیر خود را تغییر دهند که نمونه‌ای از آن نیز بیان شد. گاه، قدرت‌نمایی کافی است و نمی‌گذارد آتش جنگ شعله‌ور شود. هدف، حفظ اسلام است. از این رو، هم نباید به بهانه‌های مختلف دست به شمشیر برد و هم نباید آن قدر تسامح نمود که کیان اسلام در معرض خطر قرار گیرد.

۲. برنامه: برنامه مواجهه با اهل کتاب، بر اساس سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام چنین است که مسلمانان باید با اقتدار و هوشیاری توأم با آزادی و عدم هراس از مهاجمان، مراقب باشند تا در برابر خطر دشمنان دیگر، هرگز بر دوستی اهل کتاب تکیه نکنند و با بصیرت و هوشیاری کامل با حوادث مواجه شوند. صلح‌طلبی، نباید آنها را از موضع‌گیری‌های لازم باز دارد، بلکه باید با اتخاذ رویکرد و روش مؤثر در ایجاد مختلف نظامی و استفاده از همه ظرفیت‌های ممکن، عقل و خرد را در تصمیم‌ها و اقدام‌های پیش‌رویشان محور قرار دهند. دوراندیشی، تحرکات لازم سیاسی و آمادگی‌های نظامی، باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد تا بتوان زمینه‌های ایستادگی موفق در برابر همجه‌های اهل کتاب را به خوبی فراهم کرد. همچنین، پابندی بر میانی دینی، احکام شرع و اخلاق در همه شرایط لازم است. نمی‌توان به هر بهانه‌ای، از خط قرمزهای شرع و فرامین الهی سرپیچی کرد، بلکه باید با پرهیز از واکنش‌های نکوهیده و غیر انسانی، از رویکردها و روش‌های انسانی و جوانمردانه استفاده کرد. اگرچه اهل کتاب، در همجه‌های نظامی خود علیه مسلمانان از هر شیوه‌ای حتی رفتارهای ضداخلاقی مانند فتنه‌انگیزی، ایجاد ناامنی، ترور و جنگ‌افروزی استفاده می‌کردند، اما در مطالعه سیره نبوی و علوی، هرگز چنین اموری را نمی‌توان یافت. آنچه که از جانب ایشان به عنوان راهبردها، روش‌ها و ابزارها اتخاذ می‌شد، همه بر اساس اصول پذیرفته‌شده اخلاقی و انسانی و البته در مسیر دفاع از کیان اسلام و احیای اصول الهی و انسانی بود. از این رو، مسلمانان باید با الگوگیری از رفتار پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام، از چنین رفتارهایی پرهیز، و تنها مسیر الهی و انسانی را برای رسیدن به مقصود خود انتخاب کنند.

توجه به این هدف و برنامه، حکایت از این دارد که مسلمانان همواره بتوانند با کمترین تردید و بالاترین اطمینان، راه کارهای لازم را اتخاذ کرده، واکنش‌های مقبول و مناسب را در برابر تهاجم‌های دشمنان نشان دهند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۹۹۴م، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ____، ۱۹۸۹م، *اسدالغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر.
- ابن اسحاق، ۱۳۷۷هـ *سیرت رسول الله*، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه، تحقیق اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی.
- ابن سعد، محمد، ۱۳۷۶ق، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار بیروت و دار صادر.
- ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۰۷ق، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر.
- ابن هشام، عبدالملک، ۱۴۲۰ق، *السیرة النبویة*، محقق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
- ____، ۱۳۴۸هـ *سیرة النبی*، سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه.
- احمدی، محمدقاسم، ۱۳۹۰هـ *روابط خارجی در حکومت نبوی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول*، قم، دارالحدیث.
- انصاری دزفولی، مرتضی، ۱۴۱۵، *کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات*، محقق: گروه پژوهش در کنگره، قم، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- البلاذری، احمدبن یحیی، ۱۴۱۷ق، *جمل من انساب الأشراف*، بیروت، دارالفکر.
- ____، ۱۹۸۸م، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- پیروزمند، علیرضا، ۱۳۹۵، *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*، قم، تمدن نوین اسلامی.
- تبریزی، میرزا جواد، ۱۴۱۶ق، *ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- الحسنی الخربوطلی، علی، ۱۹۶۹م، *الإسلام و اهل النمة*، قاهرة، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۹، *بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم*، در: Khamenei.ir.
- حمیدالله، محمد، ۱۳۶۵، *الوثائق*، مهدوی دامغانی، تهران، بنیاد تهران.
- جبر، دندل، ۲۰۰۲م، *الأقليات غیر المسلمة فی المجتمع الإسلامي*، عمان، دار عمار.
- جعفری فائزی پهلایه‌ای، سیدغضنفر علی، ۱۳۷۸، *سیاست خارجی پیامبر اسلام ص*، زائر، قم.
- جلیلی، سعید، ۱۳۷۴، *سیاست خارجی پیامبر*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- خوبی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۷ق، *مصباح الفقاهه*، مقرر: محمدعلی توحیدی، قم، انصاریان.
- الزین، حسن، ۲۰۰۳م، *اهل کتاب فی المجتمع الإسلامي*، بیروت، دار الفکر الحدیث.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۶۳ش، *فروع ابدیت*، قم، نشر دانش اسلامی.
- ____، ۱۳۷۱، *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ____، ۱۳۷۵، *منشور جاوید*، قم، مؤسسه امام صادق ع.
- شریعتی، روح الله، ۱۳۸۱، *حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی*، قم، بوستان کتاب.
- الصالحی الشامی، محمدبن یوسف، ۱۴۱۴ق، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۲۱ق، *حاشیة المکاسب*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۵۲، *تاریخ الامم و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات اساطیر.
- العالمی، جعفر مرتضی، ۱۴۰۰ق، *الصحيح من سیرة النبی الأعظم*، قم، بینا.

عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البیت.

العسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، ۱۳۲۸ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

عمید زنجانی، عباس علی، ۱۳۷۰، *حقوق اقلیتها*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

قمی، علی ابن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، محقق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب.

کلانتری، علی اکبر، ۱۳۷۴، *جزیه و احکام آن در فقه اسلامی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، بی تا، *التنبیه و الإنسراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، (افست، قم،

مؤسسه نشر منابع الثقافة الإسلامية).

المطلبی، محمد بن اسحاق، ۱۳۸۳ق، *سیره ابن هشام*، بیجا، مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۱۵ق، *المکاسب المحرمه*، محقق: گروه پژوهش مؤسسه، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

ناصری، محمد امیر، ۱۳۸۷، «سیره نظامی پیامبر اعظم»، *سیره سیاسی پیامبر اعظم*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

الواقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، *کتاب المغازی*، محقق: مارسلن جونس، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی